



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان قاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷-۳۷ شماره: ۸۸۹۸۶۸۲۸-۳۷-۲۲-۲۲ تلفن اگهی‌ها: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷-۲۲-۲۲
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۲۳۲-۳۷-۲۲
توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۶۶۲۷۲۱۳۰-۵-۵
چاپ گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲
www.sharhdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۲۳ اذان صبح فردا ۴:۱۹ طلوع آفتاب ۵:۵۸

راویہ دید

هر کودک یک کتاب



◀ **اسماعیل آزادی**

● رییس کتابخانه ملی در سال ۱۳۸۷ گفته بود: «سرانه کتابخوانی در ایران دو دقیقه در شبانه‌روز است» و مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی این آمار را سیاه‌نامی خواند و در آمار ی عجیب، سرانه مطالعه در ایران را به‌مراتب بالاتر از حتی رکورد جهانی، یعنی ۱۲۰ دقیقه در شبانه‌روز اعلام کرد!

البته در این زمینه یک آمارگیری رسمی از سوی وزارت ارشاد در ۲۸ استان در سال ۱۳۸۱ انجام شده که با احتساب مطالعات درسی، میزان مطالعه سرانه در ایران هفت‌دقیقه در شبانه‌روز اعلام شده است.

نگارنده در این نوشته به دنبال ثابت کردن درستی و نادرستی این آمارها نیست بلکه به دنبال بیان راهکاری است که بتواند در جهت خروج از بازار بی‌رونی کتاب و کتابخوانی تلاشی کرده باشد. چرا که در همین سال‌ها شاهدیم که تیراژ عمومی کتاب نیز از سه‌هزار نسخه به دوهزار نسخه و حتی در مورد برخی کتاب‌ها حتی به زیر هزار نسخه رسیده است که بنا به گفته سرپرست معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «در پنج‌ماهه اول سال ۱۳۹۱، با تولید ۶۱ میلیون تیراژ نسبت به مدت مشابه سال قبل، شاهد کاهش شش درصدی تیراژ کتاب در کشور بودیم که این رقم در سال قبل ۵۰میلیون نسخه بود.» این آمار با توجه به جمعیت ۷۵میلیونی ایران آمار ی بسیار نگران‌کننده‌است.

کارشناس عرصه فرهنگ و کتاب همواره برای افزایش سرانه کتابخوانی در کشور و برپون‌ف‌ت از این شرایط نامطلوب بر ایجاد رنگ کتابخوانی در مدارس تاکید کرده‌اند اما معلوم نیست چرا مسئولان از کنار این اقدام مهم که می‌تواند بازار کتاب و سرانه مطالعه را به گونهای ریشمائی به سامان برساند، بی تفاوت می گذرند هر چند راهکارهای متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که البته آن نیز بدون اراده و برنامه‌ریزی از سوی آموزش و پرورش امکانپذیر نیست که در اینجا به یکی از آنها اشاره می شود. در شهرهای بزرگ، بسیاری از مدارس دارای کتابخانه هستند اما به دلیل فقر کتابخانه‌ها و فقدان تنوع موضوعی کتاب‌ها و همچنین در حاشیه بودن این کتابخانه‌ها و… کارآمدی مطلوبی برخوردار نیستند. اما برای غنی کردن این کتابخانه‌ها می‌توان با فراخوان «هر کودک و دانش آموز یک کتاب» از والدین آنها خواست هرساله مثلا در ایام برگزاری نمایشگاه کتاب دست‌کم یک کتاب به کتابخانه مدرسه‌اها کنند، با این شیوه هرساله می‌توان کتابخانه‌های مدارس را به‌روز و غنی تر کرد.

البته این شرایط در شهرهای کوچک و روستاها کاملا فرق می کنند زیرا این مدارس غالبا کتابخانه ندارند و کسی هم متولی تجهیز این مدارس به کتابخانه نیست. در مورد مدارس شهرهای کوچک و مدارس روستایی پرجمعیت می‌توان با مشارکت سازمان کتابخانه‌های کشور و آموزش و پرورش هر منطقه به تاسیس شعبه‌ای از کتابخانه مرکزی شهر در این مدارس اقدام کرد. درواقع در هر یک از این مدارس کتابخانه‌ای ایجاد می‌شود که تجهیز و سازمان دادن به آن از سوی سازمان کتابخانه‌های کشور و اداره آن از سوی کادر مدراس و با کمک دانش آموزان صورت می گیرد و از سوی دیگر برای تأمین کتاب‌ها و تجهیزات مورد نیاز این کتابخانه‌ها نیز می‌توان با فراخوان از کمک‌های یگیران دوستداران کتاب و خیرین استفاده کرد.

با این اقدامات علاوه‌بر ایجاد زمینه کتابخوانی در کودکان کشور و افزایش سرانه مطالعه و ارتقای فرهنگ عمومی تانیاخوانی در کشور، بازار کتاب نیز با مشارکت علاقمندله همه خانواده‌ها رونق می گیرد. در پایان باید باور کنیم که بالا بردن سرانه مطالعه در کشور تنها از طریق ایجاد بسترهای لازم و علاقمند کردن کودکان به کتاب و کتابخوانی به‌عنوان یک رویکرد ملی امکانپذیراست.

داستان کوچک

برف تابستانی

چارلز راتر . ترجمه: هادی عظیمی

● توفان غربییی از غنچه‌های مگنولیا به عمق پنج‌سالت آمده بود. به پشت، بدون حرکت کردن، با تکان دادن دست‌هایمان و از هم باز کردن پاهایمان شننا کردیم و گوشه‌هایی از زمین زیرمان را سیاه کردیم؛ گل‌ها که جaro می شدند، گل‌های زیرشان را نشان می‌دادند. پیاده به سوی خانه به راه افتادیم، روی لبه‌های خطرآ‌ه‌ا‌هن راه رفتیم، به دنبال میخ‌های زنگ‌زده و پول خرده‌ای صاف‌شده گشتیم و گذشتیم دانه‌های تابستانی روی صورت‌هایمان برق برزنند و آب شوند. تو رفتی، دودی و تا انتهای خط راه‌ا‌هن به سمت خانه دور شدی. وقتی می‌رفتی صدایت زدم، صدایت زدم تا برگردی، اما هیچ چیز بی‌فایده‌تر از این نیست که رو به باد فریاد بزنی.

روزنامه

پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۲ ۵ رجب ۱۴۳۴ ۱۶ می ۲۰۱۳ ۲۰ سال دهم ، شماره ۱۷۳۴ ۱۶صفحه

کافه نظر

تنها ۶۰ شهر کشور سینما دار!

عسل عباسیان: تحقیقات یک کارشناس سینما آمار عجیب و البته غم‌انگیزی از وضعیت سینما در ایران به دست داده است. آن طور که تحقیقات «میرحسین علم‌الهدی» نشان می‌دهد از هزار و ۱۴۱ شهر ایران تنها ۶۰ شهر سینما دارند و باقی از هنر هفتم بهره‌ای که می‌برند محدود است به دی‌وی‌دی‌ها، تلویزیون و احتمالاً ماهواره و در این میان، سه استان بزرگ خراسان شمالی، سیستان‌وبلوچستان و چهارمحال وبختیاری هم از سینما به کل محرومند. بگذارید کمی غلظت ریاضی این مطلب را کم کنیم و ببینیم که وضعیت سالن‌های سینما در واقعیت به چه شکلی است. استانداردهای جهانی به ازای هر ۱۰ هزار نفر یک سالن سینماست، این آمار در ایران می‌شود، به ازای هر ۳۰۳ هزار نفر یک سالن سینما! پس ۳۳میلیون نفر از جمعیت ۷۰میلیونی ایران عملاً دسترسی به سینما ندارند. این تحقیق همچنین نشان داده که سال ۹۱ آنقدر رونق سینما کم بوده که به پایین‌ترین میزان در عمر انقلاب رسیده و نتیجه این شده است که هر ایرانی به طور متوسط، هر ۹ سال یکبار به سینما برود! تعجب و غم آنجا بیشتر می‌شود که شاخص داشتن سالن سینما یکی از شاخصه‌های مهم پیشرفت فرهنگی یک کشور است و این یعنی که ما از غافله فرهنگ آنقدر عقب هستیم که فیلمی با هزینه‌های زیاد و کلی حاشیه ساخته می‌شود و آن وقت بیش از نیمی از جمعیت کشور حتی فرصت دیدنش را بر برده سینما پیدا نمی‌کنند. این موضوع، بهانه کافه نظر پیش روست، تا دست‌اندرکاران صنعت سینما و چهره‌های فرهنگی و سیاسی درباره تأثیرات این دوری ایرانی‌ها از سینما، پاسخگوی «شرق» باشند:

سیروس الوند ◀ کارگردان

تقریباً پنجاه درصد از هزینه ساخت یک فیلم، در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن از اکران تهران به دست می‌آید بقیه هزینه‌هم از اکران شهرستان تأمین می‌شود.اما توزیع سی‌دی فیلم‌ها چه به صورت قاچاقی و چه به صورت مجاز، باعث شده افراد کمتری به سینما بروند. در این صورت هر فیلم را به جای یک نفر، سه نفر می‌بینند. در نتیجه سالن سینما، بی‌فیلم و خالی از تماشاگر می‌شود. در این حالت سینما رفته‌رفته در شهرستان‌ها و به تدریج در شهرهای بزرگ از بین می‌رود. چند سال پیش جوان‌های دانشگاهی در قلمشهر مرا به بهانه اکران «مزاحم» به شهرستان دعوت کردند و اعتراضشان را بابت اینکه تنها سینمای شهرستان را بسته بودند ابراز کردند. وقتی دیدم تمام مقامات شهر در جلسه حاضرند از آنها خواستم تحقیق کنند و ببینند با تعطیلی سینما، جوان‌هایی که وقتشان با رفتن به سینما می‌گذشت حالا کجا می‌روند؟ سینما به‌خصوص در شهرستان‌ها یک حاشیه‌امینت است تا جوانان سراغ اعتیاد و… نروند. سینما پناه جوان‌هایی است که می‌خواهند ساعتی را درگیر مسایل فرهنگی باشندو متأسفانه تخریب و نابودی سینما در شهرستان‌ها خطری بزرگ است که سلامتی فرهنگی جامعه را تهدید می‌کند.



منیره حکمت ◀ کارگردان و تهیه‌کننده

بسیار متأسفم از اینکه در حال حاضر سینما، فرهنگ، هنر، کتاب و… از سبد خانواده‌ها حذف می‌شود و سرپال‌های شبکه‌های مبتذل ماهواره مثل «فارسی وان» و «چم» جایگزین می‌شوند. متأسفم که اکثر سینماهای ما با مدیریت نا صحیح در حال نابودی است. باید ببینید که در این سال‌ها سالن‌هایی که تحویل برخی ارگان‌ها بوده به چه روزی افتاده است. چرا مسئولان فکر نمی‌کنند بخش خصوصی وجود دارد که می‌تواند سالن‌ها را از این ورطی نجات دهد؟ چرا سالن‌ها دست بخش خصوصی سپرده نمی‌شود که وضعیت لاقابل‌ب‌تر از این نباشد؟ در حال حاضر آنچه نگران‌کننده است بسته‌شدن یک به یک سینماهاست و نه عدم تأسیس سالن تازه. شاید تنها کسی که در این سالن‌ها برای نجات سالن‌های سینما دلسوزی کرده «سینماشهر» به مدیریت آقای مسچی بوده که جای تقدیر و تشکر دارد، ولی باید همه بدانیم که در بخش خصوصی است که چنین بهبودهایی اتفاق می‌افتد. این روزها که همه مسئولان می‌خواهند و قصد دارند رییس‌جمهور آینده باشند و نگران آینده مملکت هستند و احتمالاً در روزهای قبل از انتخابات دغدغه هنری‌شان چند برابر می‌شود، لطفاً خیلی روشن راجع به این وضعیت اسفناک سینما و فرهنگ و هنر این سرزمین آرای بیشتر؟ یا بدون حضور هنرمندان در ستادها هم دغدغه‌هنر این سرزمین را دارند؟ من فکر می‌کنم در یک ماه پیش رو اکثر کسانی که کاندیدا خواهند شد مسئولان این چند سال بوده‌اند. پس حالا وقت آن است که هنرمندان مطالباتشان را از رییس‌جمهور آینده صریحاً اعلام کنند و از آنها بپرسند که چرا در این هشت‌سال سختی که به اهالی هنر گذشت، آنها هیچ اعلام نظری نکردند؟ آنها باید موضوع خود را نسبت به مسایل فرهنگی از جمله وضعیت سالن‌های سینما مشخص کنند، در غیراین صورت راهی که می‌رویم به تر کستان است.



سیدجمال ساداتیان ◀ تهیه‌کننده و سینمادار

در سراسر دنیا یکی از شاخص‌های مهم فرهنگی هر کشور تعداد سالن‌های سینما و سرانه حضور مردم در سالن‌های سینماست. ما در ایران خیلی از این شاخص عقب هستیم. اکثر سالن‌های موجود، قبل از انقلاب ساخته شده و اصلاً سختیتی با تکنولوژی امروز سینما ندارند. ۴۰ سال قبل با جمعیتی ۳۰میلیونی، ۵۰۰ سالن سینما داشتیم اما امروز با جمعیت بیشتر از ۷۰میلیون، سیصد و خرده‌ای سالن داریم که خیلی‌هایشان هم از رده خارج هستند. در این سال‌ها خیلی از سالن‌ها توسط «حوزه هنری» مصادره شد که حوزه هم به جای اینکه این سالن‌ها را در خدمت هنر ایرانی بگیرد، آن را تبدیل به یک ابزار سیاسی کرده و اغلب نه‌تنها برای سینما کمک نیست بلکه در جاهایی هم به ضد سینما تبدیل شده است. موضوع بعدی هم بحث عرضه و تقاضاست. باید ظرفیت ارایه هم، در شهرها، وجود داشته باشد. در جایی مثل ساره که به تهران هم نزدیک است اصلاً سالن سینما نیست. ساره حتی مثل خیلی از شهرها، سالتی مخروبه به اسم سینما هم ندارد. اما مردم در خانه‌ها با سینمای خانگی با آثار سینمایی آشنا می‌شوند، اگر چه در سینمای خانگی کیفیت کافی وجود ندارد. البته آفت دیگر سینمای ما وجود دی‌وی‌های قاچاق است که متأسفانه سیستم کنترل و نظارت درستی برای جلوگیری از رواجش وجود ندارد.



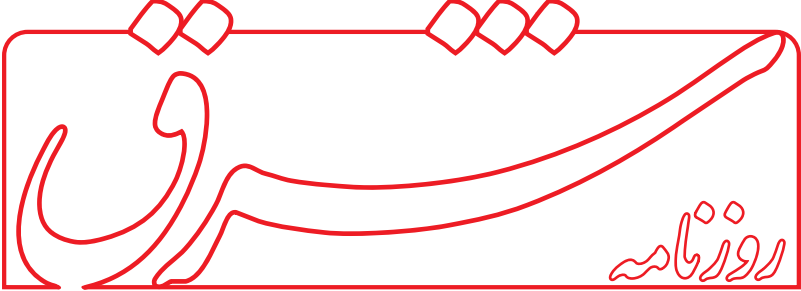
عبدالرضا عزیزی ◀ رییس کمیسیون اجتماعی مجلس

همیشه برای من جالب بوده که چرا مردم شهرم که از داشتن سینما محروم بوده‌اند تا به حال از این نیاز سختی به میان نیاورده‌اند و مساله را با ما که نماینده شهرستان هستیم مطرح نکرده‌اند. از طرفی، از میان سرمایه‌گذاران شیروانی نیز کسی برای دریافت مجوز سینما با ما مشورت نکرده و این موضوع چند علت داشته باشد؛ اول عدم استقبال مردم از سینماست که دلیل آن را می‌شود در گسترش امکانات تلویزیونی و ماهواره‌ای در منازل دید. از سوی دیگر به‌طور کلی در جامعه ما مثل کشورهای دیگر هنر، جدی گرفته نمی‌شود؛ نه از سوی دولتمردان و نه از سوی مردم. اگر چه این‌طور به نظر می‌آید که هالیوود در غرب یک مجموعه خصوصی است اما بر کسی پوشیده نیست که در آمریکا، هر نظر و موضعی که قرار باشد به تمام جبهائیان تأثیر بگذارد از طریق همین هالیوود مطرح خواهد شد. اما در ایران دولتمردان از پیام‌های فراوانی که این رسانه می‌تواند به جامعه و جهان منتقل کند مغفول‌اند. نگاه کنید، می‌بینید که اعتبارات سینما و حتی صدا و سیما آنقدر کم است که جای خالی‌شان را ماهواره پر کرده. هر کسی که نگران این جامعه و آسیب‌های آن است باید به سینما با وجود همه هزینه‌هایش به عنوان یک فرصت نگاه کند، خصوصاً در شهرستان‌ها که امکان استفاده بهینه از سینما در پرکردن اوقات فراغت افراد مهیاتر است.



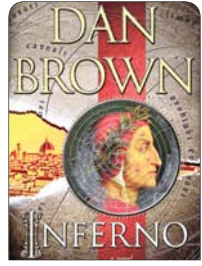
سیدحسین موسوی چلک ◀ رییس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

امروزه از سینما به عنوان هنر هفتم یاد می‌شود و طبیعتاً این نامگذاری به دلیل اهمیتی است که این هنر در حوزه‌های مختلف دارد. اینکه بسیاری از شهرهای ایران از نداشتن سینما رنج می‌برند را از چند منظر می‌توان تحلیل کرد. در قدم نخست موضوع اقتصادی است. سینما باید از نظر اقتصادی ارزش افزوده به همراه داشته باشد تا سرمایه‌گذار به ایجاد آن ترغیب شود. از سوی دیگر مردم هم دیگر رغبتی به سینما رفتن ندارند. مشغله‌ها زیاد شده و اوقات فراغت کم، دسترسی به ماهواره هم آنقدر زیاد شده که هر کسی به خانه می‌رسد می‌تواند به ساده‌ترین شیوه، فیلم‌های روز جهان را ببیند. اگر اینها را کنار بگذاریم، سینما برای جلب مخاطب در جامعه باید نگاه اجتماعی بخت‌های داشته‌باشد. ولی متأسفانه ما سینمای اجتماعی قوی نداریم. عموم فیلم‌های این حوزه تبع‌دی هستند و کم پیش می‌آید که فیلمی مثل حوض نقاشی، از متن جامعه به پرده سینما برسد. تازه در مورد همین فیلم خوب اجتماعی هم، شاهدیم که رفتار مناسبی با آن از سوی برگزارکنندگان جشنواره فیلم فجر صورت نمی‌گیرد. فضای سینما یکی از مهم‌ترین ابزارهای اجتماعی در حوزه تعامل خانوادگی افراد یک شهر یا شهرستان با همدیگر است و اگر قرار است از این ابزار اجتماعی خوب استفاده نشود، باید ببیریم که رسانه‌های دیگر همچون ماهواره جای آن را خواهند گرفت، بسیار راحت‌تر و کم هزینه‌تر برای خانواده‌ها!



دوزخ، دن براون، منتشر شد

مهر: دن براون، نویسنده «کد داوینچی» جدیدترین رمانش «دوزخ» را دایروز منتشر کرد. این رمان که از پیش از انتشار پرفروش شده بود، نشان‌دهنده یک چیز مهم است: اینکه دن براون استاد زمینه‌چینی ادبی است و خیلی‌ها معتقدند رعایت تناسب زمانی، تلاشی بوده که کار انتشار این رمان را شیک و دسیسه چینی بزرگ ادبی می‌کند. کتاب‌های دن براون تاریخ‌نگاری‌هایی با زمینه‌های مذهبی هستند و «رمز داوینچی» که بیش از ۸۰ میلیون نسخه در سراسر جهان فروش کرد.



یادداشت‌های یک دیوانه

رپرتوار ایرانی



◀ **اشکان خطیبی**

● سنتی در تئاتر دنیا وجود دارد که طبق آن گروه‌های تئاتری، هر سال تولیدات پیشین خود را به دلیل استقبال به‌عمل‌آمده از آن، در طول چند شب یا هفته، بازاجرا می‌کنند. این‌دست از اجراها را «رپرتوار» می‌نامند من به‌شخصه بازاجرای نمایش «آخرین بر سیمرغ» را به همراه گروه الملئی marien-bad تجربه کردم و شاهد آن بودم که علاوه بر مخاطب جدیدی که موفق به دیدن اجراهای قبلی نشده، تماشاگرانی که کار را سال پیش دیده بودند نیز دوباره از اجرا استقبال کردند. البته معمولاً گروه‌های نمایشی اجراهای برتر خود را که به لحاظ مفهوم و زیرمتن قابل‌تامل و بازکاوی هستند را برای رپرتوارهای خود انتخاب می‌کنند. آثاری که مخاطب می‌تواند با هر بار دیدن اثر به نکاتی تازه‌تر و چه‌سا عمیق‌تر، پی ببرد. در کنار این مطلب می‌توان به اجراهای بسیار طولانی‌مدت نمایش‌هایی چون تلموش، شیخ ایبرا و… در انگلستان، هنر در فرانسه، ننه دلاور در آلمان و… اشاره کرد که به دلیل استقبال تماشاگرانی طی چند دهه گذشته با تعویض چند بازیگر و حتی کارگردان (به دلالی چون رستین به سن کپولت در طول این اجراها) به اجراهای خود با قدرت هر چه تمام‌تر ادامه داده‌اند. «خدای کشتار» نوشته «ایسمنیا رضا» نویسنده فرانسوی، نمایشی است که به گفته خودش برای مخاطب عام نوشته شده است. بسیاری از نقدهای نوشته شده بر اجراهای این اثر در دنیا به شک‌ب‌های دیوانه‌وار خنده تماشاگران در حین اجرا اشاره کرده‌اند. در حال حاضر چندین اجرای متفاوت از این اثر بی‌وقفه به کار خود ادامه می‌دهند. اجرای «خدای کشتار» در برادوی نیز با بازیگرانی چون جیمز گاندلفینی (بازیگر موفق سریال سوبرانو) وارد چهارمین سال می‌شود. شیوه اجرایی انتخاب شده توسط «علیرضا کوشک‌جلالی» کارگردان و گروه بازیگران هم در جهت به تصویر کشیدن تصویری ملموس از شخصیت‌ها و بحران‌هایی که مشابه آنها را در زندگی واقعی تجربه کرده‌ایم و از سویی دیگر فراهم‌آوردن اوقاتی خوش برای مخاطبین است. گواه این ادعا استقبال بی‌نظیری از این نمایش در اجرای سال ۹۱ است که باعث شد لقب پرفروش‌ترین نمایش سال‌های اخیر از آن خود کند. نمایش‌هایی از این دست می‌توانند با اتکا به این نکته دست به بازاجرا بزنند چرا که با توجه به گرایش مخاطبان سینما به سمت تئاتر، در این چند سال اخیر تماشاچی تئاتر دیگر آن تماشاچی محدود ۱۲-۱۰ هزارنفری نیست و این بدان معنی است که با توجه به ظرفیت محدود سالن نمایش باید با یک برنامه‌ریزی صحیح سعی در پاسخگویی به نیاز مخاطبان داشت. اجرای اسمال «خدای کشتار» در سالن اصلی فرهنگسرای نیاوران اولین گام در این راستاست.

به امید همه‌گیرشدن تئاتر…

مخبر الدوله

بزرگ‌ترین نمایشگاه آثار «پیکاسو» در سوییس برپا شد

● ایستا: بزرگ‌ترین نمایشگاه آثار هنری پابلو پیکاسو در سوییس ۱۶۰اثر از این هنرمند را از ۲۱ جولای به نمایش می‌گذارد. به مناسبت چهلمین سال درگذشت پیکاسو، نقاش مشهور اسپانیایی، نمایشگاهی در موزه «کلنست» شهر بیل سوییس شامل ۱۶۰ تابلوی نقاشی این هنرمند برپا شده است. این نمایشگاه که بزرگ‌ترین نمایشگاه آثار پیکاسو در جهان محسوب می‌شود، ۱۶۰ تابلو و مجسمه از این هنرمند را به نمایش گذاشته است. در این نمایشگاه در کنار نمایش پرت‌ر‌ه‌ایی که این هنرمند از «دورامیر» کشیده است، مراحل و سبک‌های مختلف نقاشی که پیکاسو در آنها کار کرده است به نمایش گذاشته شده‌اند؛ از جمله سبک‌های آبی، صورتی، کوپسیم، کلاسیک‌نو و سوررئالیسم. اهالی شهر بیل سوییس، که از علاقمندان کارهای پیکاسو هستند، برای خرید این تابلوها با یکدیگر به رقابت می‌پردازند.

انتشار «جنایت و مکافات» با ترجمه پرویز شهدی

● ایستا: ترجمه دیگری از رمان «جنایت و مکافات» داستایفسکی منتشر شد. رمان «جنایت و مکافات» نوشته فئودور داستایفسکی با ترجمه پرویز شهدی از سوی نشر کتاب پارسه به چاپ رسیده است. این مترجم که پیش‌تر کتاب «برادران کارامازوف» از این نویسنده ترجمه کرده است، در مقدمه با مروری بر تلاش‌هایی که برای ترجمه آن کتاب داشته، درباره اشتیاقش به ترجمه رمان «جنایت و مکافات» می‌گوید: «پس از ماه‌ها جنگ و درگیری درونی با خودم، تصمیم به این کار گرفتم؛ می‌توانم به زندگی مترجمی و کتابخوانی‌ام مباحثات کنم. ترجمه «برادران کارامازوف»، «جنایت و مکافات» و… البته «شرق بهشت» اثر جان‌اشتان یک، جزو افتخارات من است.» «جنایت و مکافات» پیش‌تر به قلم مهری آهی و اصغر رساگر به فارسی ترجمه شده است.

نگاه

ما اولین نظرسنجی تخصصی اهالی رسانه‌ای موسیقی

چرا ما اتحادیه مستقل نداریم؟

آرش نصیری . **سر دبیر ماهنامه «ترانه ماه»**

بگذارید با یک اعتراف شروع کنم. دو سال قبل اگر از من می‌خواستند تا در یک نظرسنجی شرکت کنم که در آن باید بهترین‌های موسیقی، پاپ را انتخاب کنم، پافره می‌رفتم. به



این البته بحثی است که باید در موردش بیشتر بحث کرد و نوشت و اجازه دهید و بگذارید در این مورد مقدمه‌چینی نکنم. پیکراست بروم سر اصل مطلب!ان

اهالی رسانه‌ای تئاتر و اهالی رسانه‌ای سینما انجمن و مجمع منتقدان و خبرنگاران دارند؛ چرا ما نداریم؟ شاید دلیل اصلی این اتفاق به خاطر همین دسته و درجه‌بندی کردن موسیقی نزد ما باشد. رسانه‌های گروهی، سایت‌ها و مجلات و روزنامه‌ها همیشه از موسیقی استفاده ویژه کرده‌اند و در همه آنها موسیقی و خبرنگاران موسیقی جایگاه ویژه‌ای دارند اما این زحمت‌کشان هیچ اتحادیه یا انجمنی ندارند تا به صورت منسجم و حساب‌شده اعلام‌نظر کنند و در مراسم سالانه یا فصلی بهترین‌ها را برگزینند و مدیریت واحد و منسجم آن با آموزش و برگزاری کلاس‌های موسیقی و نقد، به تربیت منتقدان ب‌ادانش و حرفه‌ای اقدام کند. درباره فواید تشکیل «اتحادیه نویسندگان، منتقدان و خبرنگاران موسیقی» بیشتر می‌توان نوشت و به همین بسنده می‌کنیم که ما در این خصوص قدم اول را برداشته‌ایم. این کار واقعا سخت بود و بسیاری از دوستانی که در این نظرسنجی شرکت کرده‌اند تا جایی که می‌توانستند از شرکت در آن فرار کردند و در نهایت هم به خاطر لطفی که به ما داشتند شرکت کردند و حالا وقتی رای خود را در کنار بسیاری از اهالی مطرح هنر و

موسیقی اصیل ایرانی البته جایگاه خود را دارد و بیشتر از ۱۰ سال خ‌برنگاری حوزه موسیقی، کمتر به این ژانر مهم از موسیقی توجه داشتیم اما در این کمی بیشتر از یک‌سال که سر‌دبیری مجله «ترانه ماه» را به عهده دارم، پی برده‌ام که ما اهالی رسانه‌ای موسیقی می‌توانیم خیلی در جهت‌دهی درست‌تر و دقیق‌تر به این موسیقی و معرفی آن به قشر فرهیخته‌تر علاقه‌مند به موسیقی و هنر نقش داشته‌باشیم.

موسیقی اصیل ایرانی البته جایگاه خود را دارد اما در بین کسانی که به موسیقی غیر از موسیقی سنتی اشتغال دارند، هنرمندانی هستند که با تکیه بر همین موسیقی یا موسیقی کلاسیک جهانی و حتی موسیقی‌های سالم غیر کلاسیک ایرانی و جهانی، آثار درخور توجهی تولید کرده‌اند و می‌کنند که ما به علت بی‌توجهی یا کم‌توجهی ما مهجور مانده‌اند.

اینها که می‌گویم هم به نوعی اعتراف یکی از خبرنگارانی است که به هر صورت بیشتر از یک دهه است که در این حوزه فعالیت می‌کند. اینها که می‌گویم درباره موسیقی‌های به‌اصطلاح روشنفکری‌تر است که هم از لحاظ فضا و هم از نظر استفاده از اشعار، مخاطبان خاصی‌تر دارند اما آیا موسیقی‌های متداول پاپ هم باید از چشم ما دور بماند؟ ما هرساله شاهد هستیم که جشنواره موسیقی فجر، موسیقی پاپ را در بخش جنبی خود می‌گذارد تا بتواند از قبل آن سرمایه‌ای به دست آورد و بوجه‌های خود را تأمین کند و این یعنی اینکه بخش مهم و اصلی چرخش اصلی مالی این حوزه به مدد موسیقی پاپ است و حضور جدی‌تر منتقدان و نویسندگان موسیقی در این حوزه، می‌تواند باعث جهت‌دهی بهتر به آن و بالا بردن سطح سلیقه و دانش جوانانی باشد که به علت جذابیت‌های ویژه آن، جذب این نوع موسیقی می‌شوند و این ماجرای است که در همه جهان اتفاق می‌افتد نه‌فقط ایران.